

نکردید. همین دوباره نشان می‌داد که از منظر شورای نگهبان جرم سیاسی اعتباری بود. مجلس رفع ایراد نکرد و با یک قیام و قعود آن را به مجمع تشخیص مصلحت برای حل اختلاف فرستاد که در مجمع هم آن ماده واحد مسکوت باقی ماند. در مجلس هشتم قانون‌گذار اراده کرد که جرم سیاسی را تعریف کند. دوباره یک کارگروهی تشکیل شد و از حرف‌های گذشته استفاده کرد که جرم سیاسی را تعریف کند. منظور از کارگروه خودم هستم. من اینجا نشستیم گفتیم آن چیزی که لازم است برای تصویر جرم سیاسی اسلامی بودن این است. ما باید از اسلام دریابوریم. در اسلام هم که در کتب فقهی آن چنان چیزی در خصوص این مسأله نوشته نشده است. برخی

معتقد بودند که جرم سیاسی نباید به این ترتیب در قانون اساسی حمایت شود و اعتراض‌شان به شهید بهشتی به عنوان رئیس جلسه این هست که می‌گویند شما می‌خواهید از جاسوس حمایت کنید. گوینده این سخن تلقی‌اش این است که جاسوسی جرم سیاسی است. شهید بهشتی در جواب می‌گوید جاسوسی جرم سیاسی نیست، جنایت است. یکی دیگر هم یک جرمی را می‌گوید که الان خاطر من نیست که شهید بهشتی آن را هم جواب می‌دهد و می‌گوید آن هم جرم سیاسی نیست. بعد اینکه جرم سیاسی چه چیزی نیست دو مصداقش را در مشروح مذاکرات می‌گویند اما اینکه چه هست را می‌گویند قانون‌گذار عادی برود جرم سیاسی را بر اساس موازین اسلامی

جرایم می‌زند، نه اینکه جرم سیاسی در عالم بیرون وجود دارد و تو آن را هدف قرار می‌دهی. لذا اشتباه نیست که شما بگویید جرم سیاسی از منظر اسلام، جرم سیاسی از منظر پوزیتیویست‌ها، جرم سیاسی از منظر دفاع اجتماعی، جرم سیاسی از منظر فاشیست‌ها، جرم سیاسی از نظر مارکسیست‌ها و به همین ترتیب. پس آن چیزی که در مورد جرم سیاسی اولاً می‌توانیم بگوییم این هست که جرم سیاسی کاملاً ماهیتی اعتباری دارد. نکته ظریفی که اینجا وجود دارد این است که جرم سیاسی قبل از اینکه تعریف شود در قانون جرم است. جرم سیاسی قبل از اینکه هر نحله فکری وجود داشته باشد در قانون جرم‌انگاری



۹۹ یکی از اساتید برجسته حقوق کیفری دانشگاه تهران یک متنی به عنوان تعریف جرم سیاسی نوشته بود و به مجلس ارایه داده بود و مجلس آن را در دستور کار گذاشته بود. این تعریف در مجلس تصویب شد و به شورای نگهبان رفت. شورای نگهبان ۱۸ ایراد شرعی به این ماده واحد گرفت. یعنی در واقع می‌گفت جرم سیاسی که شما قرار بود از منظر اسلامی تعریف کنید از منظر اسلامی تعریفش نکردید. همین دوباره نشان می‌داد که از منظر شورای نگهبان جرم سیاسی اعتباری بود. **۶۶**

جسته‌وگریخته به جرایم سیاسی را اشاره کرده بودند که عمده مواردشان از مجرمین سیاسی را خوارج صدر اسلام می‌دانستند. از طرف دیگر در ترم‌های حقوقی، شما می‌خواندید جرم سیاسی نمی‌تواند خشونت‌بار باشد. یعنی آن کسی که مرتکب جرایم خشونت‌بار می‌شود این را ما جرم سیاسی نمی‌دانیم. در آن طرحی که مجلس تصویب کرده بود، آنجا هم تصور شده بود که استفاده از سلاح و محاربه و مانند این‌ها، این‌ها جرم سیاسی نیستند. من گفتم با توجه به اینکه اینجا فقه ما ساکت است و چیزی نگفته، ما یک مقدار بحث تاریخی بکنیم. فرضیه اول بنده این بود که چرا ما برخی از جرایم را برچسب جرم سیاسی می‌زنیم؟

تعریف کند و همین‌جا منشأ اختلاف تا سال ۱۳۸۰ می‌شود.

سیر تقنین قانون جرم سیاسی در نظام حقوقی ایران

در سال ۱۳۸۰ قانون‌گذار یکی از اساتید برجسته حقوق کیفری دانشگاه تهران یک متنی به عنوان تعریف جرم سیاسی نوشته بود و به مجلس ارایه داده بود و مجلس آن را در دستور کار گذاشته بود. این تعریف در مجلس تصویب شد و به شورای نگهبان رفت. شورای نگهبان ۱۸ ایراد شرعی به این ماده واحد گرفت. یعنی در واقع می‌گفت جرم سیاسی که شما قرار بود از منظر اسلامی تعریف کنید از منظر اسلامی تعریفش

شده است و همه‌ی مکاتب بعد از حضرت آدم، مکاتب حقوقی، چه وحیانی و چه بشری که به وجود آمدند جرایم سیاسی را داشتند و فقط مارک جرم سیاسی به آن زده بودند. مثلاً یکی از جرایم سیاسی که در اواسط قرن بیستم در زمان دعوای جرم سیاسی در اروپا وجود داشت، این بود که آیا جاسوسی جرم سیاسی هست یا نه. فارغ از اینکه جاسوسی جرم سیاسی است یا نیست، جاسوسی جرم بود، یعنی قبلیش جرم بود. حالا می‌خواستیم ببینیم مانند یک جرم سیاسی و به مثابه یک جرم سیاسی باید با جاسوسی برخورد کنیم یا نه. همین اختلاف در مشروح مذاکرات قانون اساسی سال ۱۳۵۸ جمهوری اسلامی ایران هم دیده می‌شود. معترضین به این اصل از قانون اساسی